

بزرگترین تراژدی در تاریخ بشریت

The greatest tragedy in human history



Author: Mohammad Taghi Saffaripour

بنام خدا

in the name of God

Email your questions about
everything

sarfipoor@gmail.com

1-در سال 840 میلادی بزرگترین تراژدی تاریخ
بشریت اتفاق افتاد.

امام حسین که نماینده خداوند در زمین بود.به
دعوت مردم کوفه در عراق،به طرف کوفه حرکت
کرد.تا با کمک مردم کوفه،قیام کند و پادشاه ظالم

به نام یزید را سرنگون کند و حکومت الهی برپا
نماید.

ولی یزید مردم کوفه را تهدید به کشتن کرد و به
مردم کوفه دستور داد به جنگ امام حسین بروند
و او را بکشند.

مردم کوفه هم از دستور پادشاه ظالم پیروی
کردند و به جنگ امام حسین رفتند.

1. In 840 AD, the greatest tragedy in
human history occurred

Imam Hussein, who represented God
on earth, moved to Kufa at the
invitation of the people of Kufa in Iraq

But Yazid threatened to kill the people
of Kufa and ordered the people of Kufa

to go to war with Imam Hussein and kill
.him

The people of Kufa also followed the
order of the oppressive king and went
to war with Imam Hussein.

2-در روزی که بعدا به عاشورا معروف شد و در
سرزمینی که بنام کربلا، جنگ اتفاق افتاد.

در یک طرف لشکر امام حسین با 72 سرباز. در
طرف دیگر لشکر یزید با 30 هزار نفر سرباز!

در آن روز هوا بسیار گرم بود و لشکر یزید مانع
اب رسانی به لشکر امام حسین شدند و سربازان
امام حسین و خانواده امام حسین همگی تشنه
بودند.

On the day that later became known .2
as Ashura, a war took place in a land
.called Karbala

On one side, Imam Hussein's army with
72 soldiers. On the other side, Yazid's
!army with 30,000 soldiers

The weather was very hot that day,
and Yazid's army prevented the water
supply to Imam Hussein's army, and
Imam Hussein's soldiers and Imam
Hussein's family were all thirsty.

3-هرچقدر امام حسین و اصحابش خوب بودند
به همان اندازه یزید و لشکرش بد بودند.

امام حسین و اصحابش دارای ویژگی های زیر
بودند:

خوش اخلاق بودند. مهربان بودند. عادل بودند.
دانشمند بودند. اهل عبادت بودند. زنا نمی
کردند. شراب نمی خوردند. قمار نمی
کردند. کسی را اذیت نمی کردند.
ولی یزید و لشکرش:

زناکار بودند. حرام زاده بودند. شراب خوار
بودند. سگ باز بودند. میمون باز بودند. قمار باز
بودند. خلاف کار بودند. مردم را اذیت می کردند.
ظلم می کردند. افراد بی گناه را می کُشتند.

No matter how good Imam Hussein –3
and his companions were, Yazid and his
.army were just as bad

Imam Hussein and his companions had
:the following characteristics

They were good-natured. They were
kind. They were fair. They were
scientists. They were worshipers. They
did not lie. They didn't drink wine. They
didn't smoke. They didn't bother
.anyone

:But Yazid and his army

They were adulterers. They were
illegitimate. They were wine drinkers.
The dogs were open. The monkeys
were open. They were soldiers. They
were against work. They were
harassing people. They were
oppressing. They were killing innocent
people.

4-در ان روز، لشکر امام حسین فداکاری بزرگی
کردند. یکی یکی به میدان جنگ می رفتند و انقدر
می جنگیدند تا کشته می شدند.

سربازان امام حسین می گفتند ما جان خود را
فدای امام حسین می نمایم

حتی نوجوان 13ساله بنام قاسم به میدان جنگ
رفت و انقدر جنگید تا کشته شد.

دوتا پسر امام حسین به نام علی اکبر و علی اصغر
کشته شدند. برادران امام حسین همه کشته شدند
مخصوصا ابوالفضل عباس که قهرمان بزرگی بود.
او به هر طرف حمله می کرد، لشکر یزید فرار می
کردند. تا اینکه او را تیرباران کردند. دست راست
او را قطع کردند ولی او همچنان می جنگید. دست
چپ او را قطع کردند و در آخر او را کشتند.

On that day, Imam Hussein's army –4
made a great sacrifice. One by one they

went to Chang Square and fought so
.hard that they were killed

Imam Hussein's soldiers said that we
would sacrifice our lives for Imam
Hussein

Even a 13-year-old boy named Qasim
went to the battlefield and fought until
.he was killed

Two sons of Imam Hussein, Ali Akbar
and Ali Asghar, were killed. Imam
Hussein's brothers were all killed,
especially Abolfazl Abbas, who was a
.great hero

He was attacking everywhere, Yazid's
army was fleeing until he was shot. His
right hand was cut off, but he was still
fighting. His left hand was cut off and
he was killed at the end.

5-وقتی همه سربازان امام حسین کشته شدند،خود امام حسین به میدان جنگ رفت و با 30هزار نفر به تنهایی مشغول جنگ شد.

چه شجاعت عظیمی داشت.چه روحیه بالایی داشت.به هر طرف حمله می کرد سربازان دشمن مانند گوسفندان از مقابل شیر، فرار می کردند.

راوی می گوید: بخدا قسم هرگز ندیده ام مردی را که لشکر های بسیار او را احاطه کرده باشد و یاران و فرزندان او را همگی کشته باشند ولی شجاعتش ساعت به ساعت بیشتر شود مثل حسین(ع) .

حضرت چنان بر لشکر حمله می کرد که مانند گله گرگ دیده می رمیدند و از پیش روی حضرت فرار می کردند و دوباره جمع می شدند .

نقل شده که حضرت هزار و نهصد و پنجاه تن از
آن لشکریان را کُشت.

When all of Imam Hussein's soldiers .5
were killed, Imam Hussein himself
went to the battlefield and fought
.alone with 30,000 men

What a great courage he had. What a
high morale. He attacked everywhere.
The enemy soldiers, like sheep, ran
.away from the lion

The narrator says: By God, I have never
seen a man who was surrounded by
many armies and all his companions
and children were killed, but his
courage increased hour by hour, like
.Hussein (AS)

The Imam attacked the army in such a way that they would go like a wolf herd and run away from the Imam and gather again. It is narrated that Imam Khomeini killed one thousand nine hundred and fifty of those soldiers.

6- تیر اندازان که چهار هزار نفر بودند تیرها بر کمان نهادند و بسوی حضرت رها نمودند و دور آن مظلوم را گرفته و بین او و اهل بیتش جدایی افکندند و جماعتی به طررف خیمه ها رفتند که حضرت در این موقع این جمله را فرمودند : ای پیروان ابوسفیان اگر دین ندارید لااقل در دنیا آزاده باشید.

سپاهیان به آن حضرت حمله کردند و آن جناب هم مانند شیر غضبناک به ایشان حمله نمود و

شمشیر در میان ایشان نهاد بطوری که گروهی
زیاد از آنها مانند برگ درختان بر زمین افتادند.

The shooters, who numbered 4,000,
shot arrows and fired at the Imam.
They surrounded him and separated
him from his family. You have no
.religion, at least be free in the world

The soldiers attacked him, and he
attacked him like a raging lion, and he
put a sword between them, so that a
large group of them fell to the ground
like the leaves of trees.

حضرت نزدیک به سیصد و بیست جراحت یافته
بود لذا اندکی خواستند استراحت کنند که ظالمی
سنگی بر پیشانی آن حضرت زدند و چون امام
خواستند خون پیشانی را پاک کنند ظالمی دیگر
تیری بر سینه حضرت زدند و حضرت تیر را از

پشت بیرون بیاورند پس فرمودند : بسم الله و بالله
و علی مله رسول الله و از خون خود برداشتند و به
محاسن آغشته کردند و فرمودند می خواهم با
این حال جدم رسول الله را ملاقات و شکایت این
مردم را بنمایم.

در آخر کار که امام با حالت ضعف و بیهوشی
در گودی قتلگاه افتاده بود شمر آمد و سر از بدن
مبارکش جدا کرد و سپس عمر سعد دستور داد
که ده نفر با اسب بر بدن حضرت تاختند و خیمه
ها را غارت و سپس به آتش کشیدند و همه زنان
و فرزندان را با شترهای بدون جهاز به اسیری ،
بطرف کوفه بردند.

The Imam was about three hundred
and twenty, so they wanted to rest for
a while. And God and Ali, the

Messenger of God, took their blood
and impregnated it with goodness and
said, "However, I want to meet the
grandfather of the Messenger of God
".and complain about these people

In the end, when the Imam fell into the
slaughterhouse in a state of weakness
and anesthesia, Shamar came and cut
off his head from his blessed body. And
they took the children captive to Kufa
with camels without equipment.

چرا مصیبت امام حسین بزرگترین مصیبت است؟

اگرچه میلیون ها نفر در طول تاریخ بشر در جنگ
ها کشته شده اند ، به عنوان مثال در جنگ جهانی
دوم ، 70 میلیون نفر در قحطی و گرسنگی در
مناطق مختلف جهان کشته یا گرسنه اند. چرا

کشته شدن حسین و یارانش بزرگترین تراژدی در تاریخ است؟ زیرا:

- 1- در کربلا حجت خدا و پسر پیامبر (ص) را شهید کردند. 2- شهادت او بدست کسانی بود که او را دعوت نمودند تا او را یاری نمایند! 3- پسران و برادران و دیگر اقوام و یارانش را قبل از او بشهادت رساندند! 4- کسانی او را شهید کردند که در ظاهر مسلمان بودند و نماز می خواندند و خود را پیرو جدّ حسین (ع) می دانستند! 5- مردمی او را شهید کردند که کاملاً او را می شناختند و از مقام و منزلت او آگاهی داشتند! 6- با اینکه در کنار آب فرات بود ولی او را تشنه شهید نمودند و آب را بر کودکان و اهل حرمش، بستند! 7- بعد از کشتنش، اموال او را حتی 'وسایل شخصی او از قبیل انگشتر و نعلین و عمامه اش را غارت نمودند! 8- خیمه هارا آتش زدند و اهل بیتش را ترساند و آزار رساندند! 9- اهل بیت او را که منسوب به پیامبرشان بود، به اسیری بردند! 10- سر مقدّسش را بر بالای نیزه در شهرها گرداندند! 11- بر بدن نازنینش، اسب راندند! 12- سه روز بدنش بر روی خاک افتاده بود و کسی نبود تا او را دفن کند تا عاقبت اهل روستاها آمدند و او را دفن نمودند! 13- کسی دستور کشتن او را

داد(یزید) که جدّ و پدرش آزاد کرده جدّ حسین(ع) بودند! 14- او را بدون جرم و گناهی کشتند! 15- کسانی او را تشنه شهید کردند که گروهی از آنها چند روز قبل بوسیله همین حسین(ع) از تشنگی نجات یافتند! (لشکر حرّ) 16- بخاطر تبلیغات سوء، مردم شام شهادت او را جشن گرفتند 17- همه موجودات حتّی ' ماهیان دریا و درختان برای او اشک ریختند 18- تا سه روز هر سنگی که بر می داشتند زیر آن خون جاری بود. 19- آسمان تا چهل روز در عزای او گریست. 20- سر بریده او در چند جا تکلم نمود. 21- خون او و خون علی اصغر و خون علی اکبر که به آسمان پخش شد برنگشت 22- بدترین فرد {شمر} بر روی سینه بهترین فرد {امام حسین ع} نشسته بود و...

hy is the martyrdom of Imam – 7

Hussein and his companions and the
captivity of his family the greatest
?tragedy

Although millions of people have been
killed in wars throughout human

history, for example in World War II, 70
million people have been killed or
starved to death in famines and
starvation in various parts of the world.

Hussein and his companions. Why?

:Because

In Karbala, the authority of God and –1
the son of the Prophet, peace be upon
.him and his family, were martyred

His martyrdom was in the hands of –2
!those who invited him to help him

They martyred his sons, brothers –3
and other relatives and companions
!before him

Those who martyred him, who were –4
apparently Muslims and prayed and

considered themselves followers of
!Hussein's ancestor, martyred him

People martyred him who knew him –5
completely and were aware of his
.status and dignity

they had!

Although he was by the water of the –6
Euphrates, he was martyred by thirst
and the water was closed to the
!children and the people of his shrine

After killing him, his property was –7
comfortable. “His personal belongings
such as rings, shoes and turbans were
!stolen

The tents of his family set him on –8
fire and frightened and persecuted his
!family

The Ahl al-Bayt took him, who was –9
!attributed to their Prophet, captive

His holy head was turned over the –10
!spear in the cities

They put a horse on his sweet –11
!body

His body had been lying on the –12
ground for three days and there was
no one to bury him until the villagers
!finally came and buried him

Someone ordered him to be killed –13

(Yazid), who released his grandfather
and father, they were Hussein's
!grandfather

He was killed without any crime or –14

!sin

Those who martyred him were –15
thirsty, and a group of them (Lashkar-e
Harr) were saved from thirst a few days
ago by this Hussein (as)!

Due to the bad propaganda, the –16
people of Sham celebrated his
!martyrdom

All creatures, even the fish of the .17
!sea and the trees, shed tears for him

For three days, every stone they –18
picked up flowed under it

The sky wept for forty days in his .19
mourning

His beheaded man spoke in several .20
places

His blood and the blood of Ali –21
Asghar and the blood of Ali Akbar did
not return when it spread to the sky

The worst person (Shamar) sat on –22
the chest of the best person (Imam
Hussein (as))...

لشکر یزید انقدر بد بودند که وقتی امام
حسین، خواست نماز بخواند، او و یارانش را

تیرباران کردند که چند نفر از یاران امام حسین
در حال نماز کشته شدند.

Yazid's army was so bad that when
Imam Hussein wanted to pray, he and
his companions were shot and several
of Imam Hussein's companions were
killed while praying

امام حسین معلم بشریت است زیرا او درسهای
مهمی به انسان ها داد.او به ما آموخت که نباید
زیر بار ظلم رفت.نباید در مقابل ظالمین سکوت
کرد.نباید زیر بار ذلت و خواری رفت.او به ما
آموخت که در راه خدا،کشته شدن گواراست.در
راه خدا جنگیدن،عالی است.در راه خدا سختی
کشیدن ،سعادت است.

Imam Hussein is a teacher of humanity
because he taught important lessons to

human beings. He taught us that we should not be oppressed. We should not be silent in the face of oppressors.

We should not be subjected to humiliation. He taught us that in the way of God, he was killed. It is great to be in the way of God. Fighting in the way of God is great. In the way of God, hardship is happiness.

و در آخر: به شما پیشنهاد می کنم زیارت
عاشورا را بخوانید. در این زیارت این
بزرگترین مصیبت، بخوبی بیان شده است.

And finally: I suggest you to read
the Ashura pilgrimage. In this

pilgrimage, this greatest calamity is
.well expressed